

بسمه تعالی"

وزارت کشور

خلاصه طرح

" بررسی تجربه مواجهه کشورهای قوم نشین با مساله قومیت "

مجری

دکتر حمید احمدی

گروه

مطالعات اجتماعی - فرهنگی

مقدمه :

مساله قومیت در دو دهه اخیر اهمیت بسزایی پیدا کرده است . با شتاب گیری فرایند جهانی شدن و بحثهای گفتمانی ، کاهش اقتدار دولت ، هویت ملی و مرزهای ملی ، مساله قومیت اهمیت پیدا کرده است . این امر باعث شد تا مطالبی بصورت مقاله ، کتاب در ایران چاپ شود. یکی از مشکلات مباحث مسائل قومی در ایران این است که ما مسائل قومی را در ایران با سایر کشورها یکسان می پنداریم. مقایسه از آنجا اهمیت پیدا می کند که می توان بر اساس آنها مشابهت ها و تفاوتها میان جوامع گوناگون را در برخورد با مسائل قومی دید و شناخت بهتری از تحولات قومی در کشورهای مذکور پیدا کرد. بر اساس روش جامعه شناسی تاریخی مقایسه ای می توان مشکل کاربرد مدلهای کلی تعمیم گرایانه برای جوامع متفاوت از هم را نیز حل کرد و در پی ارائه مدلهای تبیینی مبتنی بر تجربه تاریخی کشور مورد مطالعه برآمد. و بتوان از تجربه موفقیت یا شکست آنها در رابطه با مشکلات قومی در جهت شناخت بهتر مسائل قومی در ایران و شیوه سیاستگذاری بهینه جهت رسیدن به همبستگی و تقویت هویت ملی و همگرایی در ایران بهره گرفت.

در این تحقیق هدف بررسی مشکلات قومی بر اساس سه شاخص ذیل می باشد:

۱- پیشینه سیاسی کشور مورد نظر

۲- پیشینه حضور گروههای قومی آنها

۳- شیوه مدیریت مشکلات قومی

در رابطه با مباحث ریشه گروههای قومی و قومیت سه دسته مباحث نظری ارائه شده است:

- نظریه های مربوط به پیدایش قومیت و ملیت
- نظریه های مربوط به علل و عوامل سیاسی شدن قوم گرایی
- نظریه های مربوط به رابطه دولت با قومیت ، گروههای قومی و کشمکش قومی

نظریه های مربوط به پیدایش قومیت و ملیت

دیدگاههای ذات گرا – ازلی گرا و دیدگاههای مدرن در این حوزه قرار دارند. نمایندگان این دیدگاه ادوارد شیلز و وان دن برگه هستند. دیدگاه ذات گرا ، پدیده هایی چون ملت و گروه قومی را امر طبیعی همراه با نظرات بشری می داند و به دو گروه طبیعت گرا و زیست شناسانه تقسیم می شوند.

دیدگاه مدرنیست که شامل دیدگاههای نخبه گرا ، مارکسیست و غیر مارکسیست می شود، به عواملی چون پیدایش سرمایه داری ، صنعتی گرایی و از میان رفتن نظم های سیاسی کهن مربوط می شود. این پدیده را بر ساخته اجتماعی می داند و گاهی به ابزار گرایی ، موقعیت گرایی و ساختارگرایی معروف است . نگاه ابزار گرا و نخبه گرا مسائلی چون قومیت و شکافهای قومی و ملی را به تحولات پس از انقلاب صنعتی به ویژه صنعت چاپ مربوط می داند. والرشتاین گروههای قومی را بر ساخته طبقه سرمایه داری می داند . سرمایه داری از طریق ایجاد این نوع هویت ها بین طبقات کارگر شکاف انداخته و زمینه های استثمار آنها را فراهم می کند.

نظریه های مربوط به علل و عوامل سیاسی شدن قوم گرایی

در اینجا بحث بر سر چگونگی علل و عوامل بروز کشمکش ها و گفتارهای قومی میان گروههای قومی و دولت مرکزی و یا میان خود گروههای گوناگون قومی است و به دو دسته نظریه ها تقسیم می شود:

الف) نظریه های اقتصادی – سیاسی

این گروه توسعه نیافتگی اقتصادی را از عوامل مهم بسیج قومی یا سیاسی شدن مسائل قومی می دانند هشتن نابرابری منطقه ای در درون یک سرزمین را عامل نارضایتی و بسیج قومی برای شکستن نظم ستمگرانه می داند. نظریه بسیج منابع نیز رقابت بر سر منابع را علت مهم کشمکش های قومی می داند و ریشه در نظریات مارکس دارد. تضاده و رقابت های قومی ناشی از منافع

نخبگان سیاسی است که با هم رقابت می کنند . بر اساس نظریه گزینش عقلانی با انتخاب حسابگرانه ، کشمکش و عمل جمعی قومی نتیجه انتخاب عقلانی انسان است که در فرصت های مناسب و با توجه به انگیزه های سودجویانه در جنبش های اجتماعی قومی مشارکت می کند . رقابت بر سر منابع با ارزشی چون شغل ، مسکن و ازدواج .

(ب) نظریه های روان شناسانه

به نظر این گروه سه عامل روان شناسانه و ذهنی را عامل توسل به خشونت از سوی گروه های زیر دست می دانند . ۱- بی اعتمادی تاریخی ۲- ذهنیت گروه های قومی مبنی بر قربانی شدن در سیاست های تبعیض آمیز ۳- احساس محرومیت نسبی. در برخی جوامع چند قومی گروه های قومی در اثر عوامل سیاسی - اجتماعی برداشتهای درست و نادرست در طول زمان بی اعتماد می شوند. البته میراث بدبینی خود به خود از یک نسل به نسل دیگر انتقال نمی یابد بلکه از طریق اسطوره سازی ، جامعه پذیری و آموزش تبدیل به بخش مهمی از واقعیت می شوند. اعضا و رهبران گروه های رقیب چه خود تبعیض گرا باشند و چه مورد تبعیض قرار گرفته باشند معمولاً خود را قربانی قلمداد می کنند . این ذهنیت باعث می شود که گروه قربانی شده خود را در قربانی کردن دیگران محق بدانند. این گروهها ، احساس محرومیت نسبی می کنند و خود را مستحق این زندگی نمی دانند . بی اعتمادی و ذهنیت قربانی شدن احساس محرومیت نسبی را تشدید می کند.

نظریه های مربوط به رابطه دولت با قومیت ، گروه های قومی و کشمکش قومی

در روشهای تخریبی به حل مسائل قومی دولت غالباً ابزار سلطه قومی خاص محسوب شده و سایر گروهها را سرکوب می کند . برخی معتقدند گروه های قومی بر دولت تاثیر دارند و برخی دولت را بر مسائل قومی موثر می دانند . بر اساس نظریه ساختار اجتماعی و توسعه اقتصادی ، دولت به عنوان عامل تاثیر گذار است(نظریه توسعه نابرابر ، نظریه سیستم جهانی ، استعمار داخلی و قشر بندی قومی) . در این نظریه دولت ابزار سلطه و استثمار است که به وسیله آن یک گروه بر گروه دیگر جامعه اقتدار دارد . به نظر آنها نظم جوامع کثرت گرا از راه قدرت قهریه دولت اعمال می شود.

نظریه های مربوط به مدیریت و حل کشمکش های قومی

یکی از پژوهشگران شش مشکل مشخص و متمایز را در رابطه به پایان دادن به کشمکش های قومی مورد بحث قرار می دهد .

- تقسیم کشور چند قومی

- سلطه یک گروه قومی بر دیگران و تلاش برای پایان دادن اجباری به کشمکش

- یکسان سازی بعنوان راه متعادل تر سلطه یک گروه قومی که در آن گروه مسلط گروه های دیگر را به شرطی می پذیرد که آنها برای رها سازی هویت قومی خود آماده باشند.

- دموکراسی انجمنی که در آن همه گروه های قومی دارای سهم مناسب با جمعیت خود در قدرت هستند.

- غیر سیاسی کردن قومیت که در آن دولت تفاوتها را در سطح فرهنگی و سیاسی می پذیرد.

- فدرالیسم که در آن امنیت ملی ، سیاست خارجی و اقتصاد ملی همه واحدها تابع سیاست دولت مرکزی است اما واحدهای تابعه اختیارات فرهنگی و محدود دارند.

بطور کلی راه حل های مربوط به شیوه پایان دادن به حل کشمکش های قومی را برخی به دو دسته تقسیم کرده اند:

۱- راه حل های تخریبی ۲- راه حل های سازنده

در راه حل تخریبی معمولاً "از سوی دولت بصورت یکجانبه و بدون مشورت با گروه قومی در حال کشمکش بر سر اهداف سیاسی و فرهنگی به مرحله اجرا در می آید . مانند اخراج اجباری ، یکسان سازی اجباری یا کوره مذاب و نسل کشی.

۱- راه حل‌های تخریبی (روش‌های حل کشمکش قومی ناسازگار با دموکراسی)

این روش معتقد بر این است که در جهان واقعی رهیافتهای تخریبی کشمکش قومی به نحو گسترده‌ای از سوی رژیم‌های اقتدارگرای کنونی اعمال می‌شود. با این همه به سه نوع اقدام گروه‌های فرهنگی در جامعه چند قومی توجه دارند:

۱- ادغام یک شکل: رژیم‌های آن ذاتاً یکسان گرا هستند

۲- ادغام برابر: گروه‌های که به لحاظ نهادی پراکنده هستند. به عنوان واحدهایی با موقعیت برابر متحد می‌شوند.

۳- ادغام متفاوت: که در آن گروه مسلط برای تضمین برتری خود دیگر گروه‌های قومی را از قدرت واقعی محروم می‌کند.

۲- راه حل‌های سازنده

به نظر اینها می‌توان راه حل‌هایی را ارائه داد که جنبه تخریبی ندارد و با استقرار ثبات سیاسی و دموکراسی در جوامع قومی سازگار است. راه حل‌های سازنده به دو دسته تسیم می‌شوند:

- نظریه‌ها و مدل‌های سازنده حل کشمکش قومی در روابط بین الملل که شامل (مدل کارکردی - ناحیه‌ای جان برتون، دیپلماسی غیر رسمی ادوارد و رژیم بین المللی حفاظت از اقلیت‌ها استفن رایان)
- نظریه‌های سازنده حل کشمکش قومی در جامعه سیاسی

جان برتون عقیده دارد کشمکش‌های قومی و فرهنگی همچنان وجود دارد ولی یا باعث تداوم نظام و یا نابودی آن می‌شود. او مدل کارکردی - ناحیه‌ای را یک رهیافت واقع‌گرایانه برای ایجاد ثبات و صلح در جوامع چند قومی می‌داند. این رهیافت یک عرصه فیزیکی ایجاد می‌کند که از طریق آن می‌توان هویت فرهنگی و قومی را تأمین کرد ولی این مدل در جهان سوم کارایی ندارد چرا که در این کشورها خودمختاری سرزمینی یک گام به سوی جدایی قلمداد می‌شود. ادوارد دیپلماسی غیررسمی را گام مهمی در حل کشمکش‌های قومی می‌داند. استفن رایان کشمکش‌های قومی بر سیاست بین المللی تأثیر می‌گذارد و نظام بین المللی دولت محور را مانع اصلی حل واقعی کشمکش قومی میدانند. او خواستار دور شدن از مفهوم دولت - ملت و جدایی ملت از دولت است و این امر را برای زندگی در محیط کثرت‌گرایی فرهنگی لازم می‌داند.

نظریات سازنده حل کشمکش قومی دموکراسی باثبات را بهترین چاره برای حل کشمکش قومی می‌داند و دو مدل را ارائه می‌دهند ۱- مدل تبادل هژمونیک ۲- مدل کنترل

که در مدل کنترل یک گروه مسلط سیاست را زیر فرمان خود می‌گیرد توزیع منابع را بر عهده می‌گیرد و به مذاکره اعتقادی ندارد. و براساس منافع و نیازهای بخش اکثریت شکل گرفته است. ولی در مدل تبادل هژمونیک یک دولت مرکزی تا حدی خودمختار بعنوان بازیگر و تعدادی از گروه‌های دارای منافع منطقه‌ای - قومی که خودمختاری بسیار کمتری دارند بر اساس هنجارها، قواعد یا درک رویه‌ای که بطور مشترک مورد پذیرش همه قرار دارد فرایندی از انطباق متقابل را با یکدیگر صورت می‌دهند.

نظریه دموکراسی انجمنی: الگوی نوین حل کشمکش قومی

نگرش تک خطی و یکسو نگر رهیافت مدرنیزاسیون به ثبات سیاسی و دموکراسی در کشورهای تازه تاسیس و در حال توسعه مورد نقد قرار گرفت این انتقاد از این جهت مطرح بود که برخلاف نظریه نوسازی برپایی دموکراسی و ثبات سیاسی تنها به یک شیوه صورت نمی‌گیرد و پراکندگی‌های فرهنگی، قومی و نظایر آن لزوماً با ثبات سیاسی و دموکراسی در تضاد قرار ندارد. و اصطلاح دموکراسی انجمنی را پیشنهاد دادند. توانایی رهبران فرهنگ‌های فرعی در حال تعارض، برای اجتناب از خطرات کشمکش گروهی از طریق همکاری، ویژگی عمده این نوع سیستم محسوب می‌شد.

نظریه دموکراسی انجمنی با نام لیچپارت همراه است. دموکراسی‌هایی که دارای شکاف‌های ناشی از فرهنگ‌های فرعی هستند و به بی‌ثباتی تمایل دارند ما به وسیله رهبران این گروه‌های فرهنگی تبدیل به سیستم‌های باثبات می‌شوند. که دارای ۴ عنصر است:

- تشکیل دولت به وسیله يك ائتلاف بزرگ

- وتوي متقابل يا قاعده «اکثریت متقارن»

- سهمیه بندي بعنوان اساس نمایندگی

- وجود میزان بالایی از خودمختاری برای هر بخش فرهنگی جامعه برای اداره امور داخلی اش

و معتقد است که برای استقرار يك دموکراسی انجمنی و حفظ آن رهبران گروههای فرهنگی فرعی رقیب باید از ویژگیهای چهارگانه زیر برخوردار باشند:

۱- توانایی درک خطرات ذاتی در يك سیستم از هم گسیخته

۲- تعهد نسبت به حفظ سیستم

۳- توان پشت سر گذاشتن شکافهای خرده فرهنگی در سطح نخبگان

۴- توان ارائه راه حل های مناسب برای درخواست های خرده فرهنگها

روش شناسی ، معرفت شناسی و مدل مطالعه پژوهش :

در این تحقیق ایران را با چند کشور خاورمیانه در مورد مسائل و مشکلات قومی مورد مقایسه قرار می دهیم تا کمک بیشتری به فهم ماهیت این مشکلات و علل و عوامل آنها داشته باشند.

عناصر سازنده هویت ملی ایران : تاریخ ایران ، جغرافیا و مرز ، زبان ملی ، فرهنگ و دین

مقایسه ایران با کشورهای دیگر

نام کشور	پیشینه سیاسی و حضور دولت	پیشینه گروههای قومی	پیشینه کشمکش های قومی	سیاستگذاری و بحرانهای قومی
اسپانیا	پیشینه سیاسی اسپانیا به قرنهای پیش می رسد. در قرن ۱۸ قدرت‌های جدیدی به صحنه آمدند که دامنه رقابتها جهانی با اسپانیا را گسترش داد. اسپانیا يك نظام پادشاهی پارلمانی است که در آن جدایی میان قوای مقننه ، مجریه و قضائیه به پادشاه به عنوان رئیس کشور و رهبر کل نیروهای مسلح اقتدار و نیرو می بخشند.	به جز میراث سیاسی چند قرنی ، اسپانیا از وجود يك فرهنگ و تمدن سیاسی که عامل انسجام بخش ، بخشهای جمعیتی باشد برخوردار نبوده	گروههای قومی اسپانیا در قاره ای می زیسته اند که نظام سیاسی چندان کهن نبوده و مظهر وفاداری آنها دائما در معرض تغییر و تحول بوده است. و این باعث شده تا وفاداری به فرهنگ محلی و قومی بر وفاداری ملی برتری داشته باشد. در اسپانیا کشمکش قومی میان گروههای قومی وجود نداشته و بیشتر میان گروهها و دولت مرکزی بر سر اقتدار و امتیاز بوده است.	سیاست دولت تا سال ۱۹۷۵ در برابر اقلیت های قومی تمرکز گرایانه و وحدت بخش بوده ، اما در قانون اساسی کلمه خودمختاری را تعریف نکرده اند و ابهامات بسیاری بر سر راه شیوه برخورد اسپانیا با اقلیت های قومی اش وجود دارد
کانادا	کانادا بعنوان دومین کشور وسیع جهان از پیشینه سیاسی چندان برخوردار نیست . گرچه با امریکا شباهت دارد اما دیرتر از امریکا بصورت يك کشور مستقل برخوردار از حاکمیت درآمد.	گروههای قومی کانادا عمدتاً دارای ریشه مهاجرتی هستند. کانادا سرزمین بومی آنها محسوب نمی شود . این کشور چون مهاجر پذیر است گروههای قومی متعددی در آن زندگی می کنند.	کانون بحران و کشمکش قومی را در اعتراضات جامعه فرانسوی زبان کانادا می دانند.	زبان فرانسوی در کانادا دومین زبان رسمی کشور بود . زبان فرانسه در کنار زبان انگلیسی به رسمیت شناخته شده
مالزی	پیشینه سیاسی بیش از يك قرن نمی رسد	مالزی امروزی از گروههای قومی گوناگون شکل گرفته است. برخی بومی و برخی مانند چینی ها و هندیها در طی دورانیهای گذشته از سایر مناطق اطراف به آن مهاجرت کرده اند.	قوم گرای و رقابت قومی ویژگی عمده زندگی و یکی از مظاهر کشمکش قومی در عرصه فرهنگی بوده است. این رقابتها از دهه ۱۹۶۰ آغاز شده و امروز نیز ادامه دارد و بین گروههای قومی نیز	مدیریت بحران در مالزی پیچیده است.

کشورهای خاورمیانه	<p>در غرب ایران کشورهای افغانستان و پاکستان جزو کشورهای تازه تاسیس هستند و سابقه تاریخی و سیاسی چندان درازی ندارند. همین نبود میراث سیاسی، یکی از عوامل کشمکش میان قبائل و گروههای زبانی و مذهبی در افغانستان بوده است. ترکیه و عراق نیز بخشی از امپراطوری پیشین عثمانی بوده اند. این دو کشور نیز پیشینه سیاسی طولانی ندارند.</p>	<p>رابطه میان گروههای قومی و کشور محل سکونت:</p> <p>کشورهایی که گروههای دارای ویژگی های خاص بومی بوده اند و از دوره های کهن ساکنان آن سرزمین سیاسی محسوب می شده اند (ایران، مصر و تا حدودی هند). کشورهای که گروههای قومی بومی آنها نبوده اند و حضور آنها در این کشورها پیشینه طولانی ندارد و یکی از دلایلی این است که خود کشور مورد نظر اصولاً پیشینه تاریخی و سیاسی ندارند (یوگسلاوی، عراق، ترکیه و پاکستان) و دلیل دو اینکه گروه قومی بومی آن جامعه نبوده اند و ممکن است در اثر مهاجرت یا نعدالات و ملزومات جامعه بین المللی و سیاستهای جهانی صورت گرفته است.</p>	<p>نابرابری اقتصادی وجود دارد</p> <p>یکی از مشکلات ترکیه، عراق و پاکستان و همچنین سایر کشورهای تازه تاسیس خاورمیانه نظیر لبنان نبود عناصر تقویت کننده هویت ملی در آنهاست. به عبارت دیگر عناصری مانند تاریخ، جغرافیا، زبان و میراث سیاسی که در طول زمان در يك جامعه پیدا می شود مردمان را به هم وابسته می کند نمی تواند در عرض چند دهه در کشور تازه تاسیس پیدا شده و به پیدایش هویت ملی کمک کند.</p>
ایران	<p>ایران يك واحد سیاسی تازه تاسیس نیست. پیشینه چند هزار ساله دارد. ایران حداقل از نیمه قرن نخست پیش از میلاد دارای دولت و مرزهای خاص و تاریخ طولانی است. دولتهای ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی در زمره کهن ترین دودمانهای سیاسی جهان به شمار می آیند. نام ایران در سنگ نبشته هاو آثار مکتوب به جا مانده است. و پس از اسلام نیز در آثار منظوم و منثور شعرا و نویسندگان و مورخان ذکر شده است. واژه هایی مثل ایران زمین، ایران شهر، ایران ملک، شهر ایران، کشور ایران و نظایر آن در کنار واژه ایران به نام این سرزمین و مرزها، تاریخ و فرهنگ و تمدن ویژه آن اشاره می کرده اند. هیچ يك از کشورهای خاورمیانه به استثنا مصر دارای پیشینه سیاسی و تاریخی همانند ایران نبوده اند به همین دلیل است که در مصر نیز مسائل قومی بسیار کمتر از سایر کشورهای خاورمیانه است.</p>	<p>در کشورهای عراق، ترکیه و پاکستان گروههای قومی بومی کشور مورد نظر نبوده اند و به شیوه های گوناگون مهاجرت، فتح نظامی یا اجبار بین المللی به جوامع سرزمینی تازه تاسیس پیوسته اند. هیچ يك از اقوام ایرانی غیر بومی جامعه ایرانی محسوب نمی شوند. اقوام ایرانی از نوع گروههای قومی مهاجر نیستند. اقوام ایرانی از روزگاران کهن در چهارچوب سرزمینی ایران و دولت ایرانی می زیسته اند.</p>	<p>برخورداری از يك نظام سیاسی و دولت نیرومند از دوران هخامنش به بعد، داشتن مرزهای مشخص و تاریخ مدون، اسطوره های واقعی و در نتیجه فرهنگ ریشه دار و آثار فرهنگی گوناگون مردمان ایران را در طول قرنها به یکدیگر پیوند داده است.</p> <p>در نخستین دروه بروز بحرانهای قومی، یعنی در سالهای جنگ جهانی دوم، دولت ایران نخست بر ابتکارات سیاست خارجی تمرکز کرد و سپس روش مذاکره و چانه زنی با داخل و دست اندرکار بحران را در پیش گرفت.</p>

نتیجه گیری :

در اکثر کشورهای مورد مطالعه پیشینه سیاسی جدید است. تنها دولت اسپانیا پیشینه نسبتاً قدرتمند سیاسی دارد. بعد از اسپانیا کانادا قرار دارد. در مالزی و آفریقای جنوبی نیز پیشینه سیاسی جدید است در میان کشورهای مذکور، کشورهای زیادی را نمی توان یافت که هم دارای پیشینه سیاسی کهن باشند و هم گروههای آنها بومیان آن سرزمین بوده باشند. فقط در اسپانیا گروههای قومی از دوران گذشته در آن می زیسته اند. نوع کشمکش قومی در کشورها متفاوت است در حالی که در عراق، آفریقای جنوبی و اسپانیا خشونت و کشمکش قومی از نوع کشمکش گروهها با دولت مرکزی است. در لبنان و مالزی سلطه يك گروه قومی بر سیاست و اقتصاد و محروم شدن دیگران از آن است.